

یادداشت

گفتمان محوری گام دوم جبهه اصلاح طلبان



عباس آخوندی

● بی‌گمان تشکیل نهاد اجماع‌ساز در جبهه اصلاح‌طلبان یک گام مؤثر در پیشگیری از تشتت آرا و مجموعه‌نگه‌داشتن جبهه بود و این امر مدیون جناب آقای خاتمی و همراهی احزاب و شخصیت‌های اصلاح‌طلب و تحول‌خواه است. حال که این نهاد در گام یک موفق به ارائه سیه‌ابه بلندی از نامزدهای مورد پذیرش اولیه خویش شده، در گام دوم با توجه به مسئله‌های ایران و تدقیق اهداف، انتظار است که به سمت گفتمان تحول‌خواهی به پیش رود.

اینک دو گفتمان فزراوری این جبهه است؛ یکی گفتمان تحول‌خواهی مبتنی بر صورت‌بندی درست مسئله‌های ایران در وضعیت کنونی و ارائه طرح‌واره‌ای برای خارج‌کردن ایران از تنگنای سیاسی در درون و در صحنه بین‌المللی و گشودن پنجره‌ای به سمت عدالت، توسعه و آزادی است و دیگری حرکت در حاشیه قدرت و تن‌دادن به وضع موجود. واقع‌بینی حکم می‌کند که راهبردهای اتخاذی مبتنی بر ظرفیت قانون اساسی و ظرفیت‌های واقعی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و مالی کشور باشد.

کشور از ۱۳۸۴ به این سو اسیر چنبره اغتشاش در سیاست‌گذاری عملی و اقدام‌های بی‌هدف شده و از این رهگذر در معرض انواع شکاف‌های اجتماعی و تهدیدهای بین‌المللی قرار گرفته و وضع موجود حاصل آن است؛ بنابراین صلح و امید اجتماع در محاطره قرار گرفته و مبادله‌های رسمی مالی کشور متوقف، تجارت آن زیرزمینی و تولید در آن مختل شده و ملت در چرخه و تله شوم فقر افتاده است. در چنین شرایطی اوضاع اقتصاد، سیاست و روابط اجتماعی در وضعیت عدم قطعیت کلی و تنگنای سختی قرار دارد و نیازمند گفتمانی است که تعادل سترون، ناکارآمد و ضدتوسعه موجود را بر هم بزند و در چارچوب قانون اساسی راهی برای خروج از این تنگنا ارائه کند. بی‌گمان، نتیجه قهری شخصیت‌محوری و حرکت در حاشیه، ادامه وضع موجود است و جز اتلاف زمان و تشدید تنگنا راه به جایی نمی‌برد.

این گفتمان باید از یک سو بر اساس قانون اساسی حافظ وحدت سرزمینی و یکپارچگی ملت ایران در قالب اعمال حقوق شهروندی برابر برای تمام شهروندان ایران فارغ از قوم، زبان و مذهب باشد و از سوی دیگر، ناظر بر توان شکل‌دهی دولت ملی مدور و واحد مبتنی بر اراده ملت، لازمه این امر این است که قدرت سخت دنباله قدرت نرم فراگیرد و منطق گفت‌وگو، صلح و امید اجتماعی بر جامعه حکمروا شود. سوم آنکه باید ناظر بر امر توسعه شامل خلق سرمایه اجتماعی، غلبه بر انکاره بی‌آیندی و رابورکردن ظرفیت‌های کنارگذاشته‌شده و خلق ظرفیت‌های جدید در محیط ملی و بین‌المللی در تمام حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد.

تورم مزمن با میانگین بالای ۱۸ درصد برای بیش از ۵۰ سال، رشد منفی سرمایه‌گذاری به مدت ۱۰ سال، ورشده‌ای کم یا منفی و حد صفر اقتصاد برای دو دهه، نرخ بالای بیکاری به‌ویژه در سطح زنان، جوانان و اقشار تحصیل‌کرده، کسری واقعی مداوم و بالای ۵۰ درصد بودجه در سال‌های اخیر که در کنار اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی منجر به روند صعودی نقدینگی شده، وجود پول سسمی در بانک‌ها و ناسلامتی بسیاری از آنها، کسری فزاینده صندوق‌های بازنشستگی و نظام

تأمین اجتماعی و روند کاهنده صادرات و ورود کالاهای سرمایه‌ای، خروج ارز و روند فزاینده کسری تراز پرداخت‌ها همه و همه نشان از آن دارند که توسعه فقر، فساد، فرار مغزها و سرمایه مادی، سرنوشت محتوم این ساختار اقتصادی است. این گفتمان باید نقطه پایانی بر این روند بگذارد و تن به ادامه آن ندهد. تنها راهکار حرکت در سایه عدالت به معنای فراهم‌آوردن فرصت‌های برابر برای دسترسی به منابع مادی و معنوی عمومی، رفع نابرابری‌ها و خلق خیر عمومی مانند آموزش و بهداشت همگانی و پذیرش نظام اقتصاد بازار رقابتی منصفانه، حل‌وفصل تمام موانع‌های موجود بر سر راه مبادله مالی با جهان و حرکت به سمت آزادی تجارت است. در اعلام این سیاست باید از هر لکت زبانی پرهیز کرد.

نظام مالکیت بنگاه‌ها در ایران به‌شدت مخدوش شده و به‌هیچ‌رو سازگار با قانون اساسی نیست و بنیان رقابت در بازار را مختل کرده است. بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی، مالکیت بنگاه‌ها تنها در قالب‌های دولتی، خصوصی و تعاونی تعریف شده و موضوعی تحت عنوان نهادهای عمومی غیردولتی تعریف نشده است. این نهاده‌ا باید از کنترل مدیریت بنگاه‌ها منع شوند و به‌هیچ‌وجه نباید در رقابت با بنگاه‌های بخش خصوصی قرار گیرند. لازمه این کار واگذاری سهام بالای ۲۰ درصد این نهادها در هریک از بنگاه‌هاست. به‌هرروی باید هر مانعی بر سر راه رقابت منصفانه در بازار را از میان برداشت.

ادامه در صفحه ۵

علی ایوبی: چهار دهه، ۱۲ دوره انتخابات و هفت رئیس‌جمهور؛ این کارنامه سیاسی‌ترین حرکت مردم و نظام برای استقرار دولت بوده است. از همان روزی که مهدی بازرگان استعفا داد و دیگر اولین نخست‌وزیر انقلاب نبود، تلاش احزاب نیز آغاز شد تا سکان دولت را به دست بگیرند. اجزایی که در این چهار دهه بارها در انتخابات مختلف شرکت کرده‌اند؛ گاهی منحل شده‌اند، گاهی تغییر جهت داده‌اند و گاهی تنها نظاره‌گر مبارزات انتخاباتی شده‌اند. ابوالحسن بنی‌صدر، آیت‌الله خامنه‌ای، شهید محمدعلی رجایی، مرحوم اکبر هاشمی‌رفسنجانی، سیدمحمد خاتمی، محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی، رؤسای جمهور بوده‌اند که توانسته‌اند هم نظر احزاب و هم مردم را برای رفتن به پاستور به دست آورند. در این گزارش به تفکیک هر دهه، نگاهی انداخته شده به اجزایی که حضور داشتند و تلاش کردند تا شیوه و منش خود را با به‌دست‌آوردن کرسی ریاست‌جمهوری پیاده کنند.

دهه ۶۰: اقتدار حزب جمهوری اسلامی

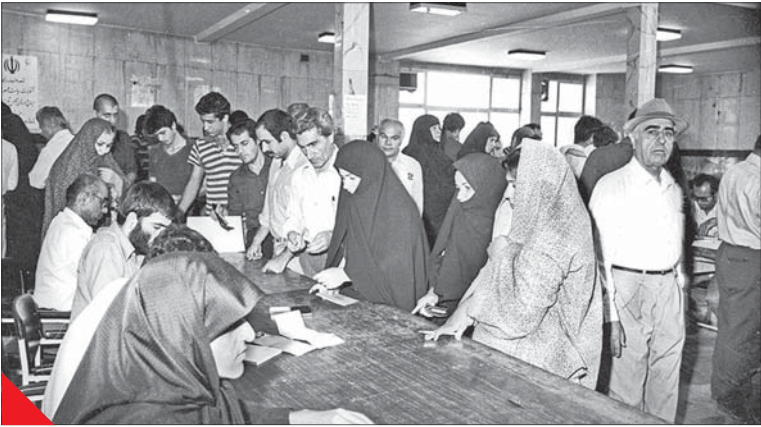
دولت بازرگان که استعفا داد، شورای انقلاب اداره امور را بر عهده گرفت و تصمیم بر آن شد در پنجم بهمن ۱۳۵۸، اولین رئیس جمهور تاریخ کشور انتخاب شود. مجموعاً ۱۲۴ نفر به‌طور رسمی نامزد ریاست‌جمهوری شدند که با انصراف برخی به ۹۶ نفر رسیدند. «جبهه ملی» سیداحمد مدنی را کاندیدای خود انتخاب کرده بود. «نهضت آزادی» قرار بود با مهدی بازرگان وارد انتخابات شود اما با انصراف او نامزدی نداشت و برخی از اعضای آن از حسن حبیبی حمایت کردند. «حزب ملت ایران» با داریوش فروهر و «جیش انقلابی مردم ایران» (جاما) با کاظم سامی در انتخابات حضور داشتند. صادق طباطبایی و صادق قطب‌زاده نیز به عنوان کاندیدای مستقل در اولین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کردند. «حزب جمهوری اسلامی» نیز بر این بود که با آیت‌الله بهشتی وارد انتخابات شود اما با منع امام خمینی مبنی بر کاندیداشدن روحانیون و تصدی مناسب دولتی مواجه شدند. آنها سپس جلال‌الدین فارسی را نامزد کردند اما ۱۰ روز مانده به انتخابات اعلام شد که او اوصالتا افغانستانی است و انصراف داد. حزب جمهوری اسلامی در آخرین روزهای انتخاباتی از حسن حبیبی حمایت کرد. «جامعه روحانیت مبارز» نیز همچون حزب جمهوری اسلامی به دنبال کاندیداتوری آیت‌الله بهشتی بود اما با انصراف او از کاندیداتوری از ابوالحسن بنی‌صدر حمایت کرد؛ هرچند آیت‌الله مهدوی‌کی‌دی دبیرکل جامعه روحانیت مبارز، حسن حبیبی را اصلح می‌دانست. در نهایت این بنی‌صدر بود که رای مردم را به دست آورد؛ هرچند یک‌سال‌ونیم بعد در ۳۱ خرداد ۶۰ از سوی مجلس عزل شد و امام خمینی حکم برکناری او را صادر کرد.

یک ماه بعد از برکناری بنی‌صدر، در دوم مرداد سال ۱۳۶۰، دومین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شد. برای اولین‌بار شورای نگهبان برای رسیدگی به صلاحیت نامزدهای ریاست‌جمهوری وارد عمل شد و از مجموع ۷۱ داوطلب، چهار کاندیدا امکان رقابت بر سر کرسی ریاست‌جمهوری را یافتند. «حزب جمهوری اسلامی» که در مجلس نیز نمایندگانی داشت، این بار محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر را به عنوان نامزد نهایی خود انتخاب کرد. «جامعه مدرسین حوزه علمیه قم»، «جامعه روحانیت مبارز» و «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» نیز از رجایی حمایت کردند. «مؤتلفه اسلامی» با عضو برجسته خود یعنی حبیب‌الله عسکراولادی مسلمان به میدان آمد. عباس شیبانی که پیش از انقلاب سابقه عضویت در حزب «نهضت آزادی ایران» را داشت و بعد از انقلاب به «حزب جمهوری اسلامی» متمایل شده بود، به همراه علی‌اکبر پرورش به صورت مستقل در این دوره از انتخابات شرکت کردند. در پایان محمدعلی رجایی بود که بر کرسی ریاست‌جمهوری نشست و حزب جمهوری

سیاست

مروری بر حضور ۴۰ ساله احزاب در انتخابات

روایت صدرنشینی ۷ رئیس‌جمهوری ایران



علی ایوبی

در نهایت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی بود که با ۱۰ میلیون رای، پیروز انتخابات شد. در سال ۷۶، وقتی شورای نگهبان اعلام کرد از ۲۳۸نفری که برای انتخابات ثبت‌نام کرده‌اند، سیدمحمد خاتمی، علی‌اکبر ناطق‌نوری، محمد محمدی‌ر‌شهری و سیدرضا زواره‌ای تأیید شده‌اند، شور و حال تازه‌ای در احزاب کشور شکل گرفت. جناح چپ دوباره وارد میدان شد و «مجمع روحانیون مبارز»، «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» و حتی «حزب کارگزاران سازندگی» که در سال ۷۴ از سوی مدیران نزدیک به آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی تأسیس شده بودند، در نهایت در دوم خرداد سال ۷۶، با خاتمی حمایت کردند. «جامعه روحانیت مبارز تهران»، «مؤتلفه اسلامی»، «جامعه مدرسین» و همه طیف‌های جناح راست نیز به پشتیبانی از ناطق‌نوری پرداختند. ری شهری با تشکل خود یعنی «جمعیت دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی» وارد میدان شد و مرحوم سیدرضا زواره‌ای به عنوان کاندیدای مستقل در انتخابات شرکت کرد. در نهایت در دوم خرداد سال ۷۶، سیدمحمد خاتمی با ۲۰ میلیون رای پیروز انتخابات بود.

دهه ۸۰: انتخابات فرا جناحی
برای رقابت در انتخابات خرداد سال ۸۰، ۸۱۴ نفر ثبت‌نام کردند که شورای نگهبان ۱۰ نفر آنان را تأیید کرد. سیدمحمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت همچنان حمایت احزاب جناح چپ که کم کم «اصلاح‌طلب» نام می‌گرفتند، پشت سر خود داشت؛ «مجمع روحانیون مبارز»، «حزب کارگزاران سازندگی»، «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» و «جبهه مشارکت ایران اسلامی» که برادر خاتمی دبیرکلی آن بر نه عهده داشت و تازه تأسیس شده بود، در انتخابات از او حمایت کردند. جناح راست که به تدریج به «اصولگرایی» معروف می‌شد نیز در این انتخابات کاندیدای خاصی نداشت اما احمد توکلی از این جناح به عنوان منتقد دولت وارد فضای انتخابات شد. دربابان علی شخمخانی وزیر دفاع دولت خاتمی، عبدالله جاسبی از سوی «چکاد آزاداندیشان»، حسن غفوری‌فرد نزدیک به «مؤتلفه اسلامی»، منصور رضوی، شهاب‌الدین صدر، علی فلاحیان وزیر اطلاعات دولت هاشمی، مصطفی هاشمی‌طبا رئیس سازمان تربیت‌بدنی دولت و محمود کاشانی کاندیداهای این دوره از انتخابات بودند. این بار نیز خاتمی با ۲۱ میلیون رای پیروز انتخابات بود.

در میانه این دهه یعنی سال ۸۴، هزارو۴۰۰ نفر برای نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری ثبت‌نام کردند که شورای نگهبان صلاحیت شش نفر از آنان را تأیید کرد اما با حکم مقام معظم رهبری، مصطفی معین و محسن مهرعلیزاده به صحنه رقابت برگشتند. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی به صورت مستقل و البته با حمایت «حزب کارگزاران سازندگی»، محمود احمدی‌نژاد از سوی «ائتلاف آبادگران ایران اسلامی» که انتخابات شورای شهر تهران را برنده شده بود، مهدی کروبی به‌صورت مستقل، مصطفی معین و به عنوان نامزد «جبهه مشارکت ایران اسلامی» و کاندیدای اصلی اصلاح‌طلبان، محمدباقر قالیباف و علی لاریجانی حمایت نیروهای اصولگرا را داشتند و

محسن مهرعلیزاده که سابقه حضور در دولت خاتمی را داشت به صورت مستقل وارد انتخابات شد. این دوره از انتخابات برای اولین‌بار به دور دوم کشیده شد و مرحوم هاشمی و احمدی‌نژاد به مرحله بعد رفتند. در دور دوم، اصلاح‌طلبان به حمایت از آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی پرداختند و اصولگرایان محمود احمدی‌نژاد را انتخاب کردند که در نهایت قرعه به نام احمدی‌نژاد شهردار آن روزهای تهران درآمد. خرداد سال ۸۸، تکلیف آرایش‌های سیاسی کشور مشخص‌تر شده بود. ۴۷۵ نفر برای این دوره ثبت‌نام کردند که شورای نگهبان صلاحیت این چهار نفر را تأیید کرد؛ میرحسین موسوی که سابقه حضور در دور دوم جمهوری اسلامی» و دهه ۶۰ را داشت و اکثون مورد حمایت جبهه اصلاح‌طلبان از جمله «حزب مشارکت ایران اسلامی»، «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی»، «مجمع روحانیون مبارز»، «حزب کارگزاران سازندگی»، «حزب مردم‌سالاری»، «حزب اسلامی کار»، «حزب همبستگی» و «مجمع زنان اصلاح‌طلب» بود. محمود احمدی‌نژاد که حمایت اصولگرایان را داشت و رئیس دولت مستقر نیز بود، مهدی کروبی به نمایندگی از حزب «اعتماد ملی» که دبیرکل آن بود و جزء احزاب اصلاح‌طلب محسوب می‌شد وارد رقابت شد و محسن رضایی نیز به صورت مستقل آمده بود. حوادث بعد از این انتخابات، جناح‌های مختلف کشور را تحت تأثیر خود قرار داد؛ برخی به حاشیه رفتند و برخی منحل شدند.

دهه ۹۰: پیروزی نامزد مستقل با کارت اصلاحات
سال ۹۲، شورای نگهبان هشت نامزد را برای انتخابات یازدهم ریاست‌جمهوری تأیید کرد. حسن روحانی با حمایت حزب «اعتدال و توسعه» وارد انتخابات شد، سعید جلیلی حمایت «جبهه پایداری» نزدیک به اصولگرایان را داشت، محمدباقر قالیباف، علی‌اکبر ولایتی و غلامعلی حدادعادل از سوی جریان اصولگرایی حمایت می‌شدند و قرار بود با توجه به شرایط انتخابات به نفع یکدیگر کنار روند. محمدرضا عارف به نمایندگی از احزاب اصلاح‌طلب و محمد غرضی به صورت مستقل وارد انتخابات شده بودند. در نهایت حدادعادل به نفع دیگر نامزدهای اصولگرا و عارف به نمایندگی از اصلاح‌طلبان به نفع حسن روحانی کنار رفت تا او با ۱۸ میلیون رای، رئیس‌جمهور شود. اردیبهشت سال ۹۶، آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شده است. حسن روحانی همچنان مورد حمایت اصلاح‌طلبان بود اما اسحاق جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهور و عضو حزب کارگزاران سازندگی برای انتخابات نامزد شد ولی با کناررفتن جهانگیری به نفع روحانی، احزاب اصلاح‌طلب مانند «حزب اتحاد ملت»، «حزب کارگزاران سازندگی ایران»، «شورای اصلاحت»، «حزب مردم‌سالاری»، «حزب اسلامی کار» و… از او حمایت کردند. جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (جمنا) که از سوی اصولگرایان تشکیل شده بود، با ابراهیم رئیسی و محمدباقر قالیباف وارد صحنه انتخابات شد که در نهایت قالیباف به نفع رئیسی کنار رفت. مصطفی میرسلیم، از سوی «حزب مؤتلفه اسلامی» وارد رقابت انتخاباتی شد ولی در نهایت این حزب به رئیسی رای داد اما میرسلیم تا آخر در انتخابات ماند. مصطفی هاشمی‌طبا نیز به عنوان عضو حزب کارگزاران سازندگی اما به صورت مستقل وارد انتخابات شد و در نهایت آخر شد. حسن روحانی با ۳۳ میلیون رای در آن انتخابات پیروز شد و دولت او باید اولین انتخابات سال ۱۴۰۰ را برگزار کند. کمتر از دو ماه دیگر سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در حالی برگزار می‌شود که شرایط سیاسی کشور در چهار دهه اخیر این‌گونه نشان می‌دهد که گویی این افراد هستند که خود را برای رسیدن به صندلی ریاست‌جمهوری شایسته می‌دانند و نه احزاب. از همین رو باید منتظر ببانیم در این دوره کدام شخص وارد انتخابات می‌شود تا حزب یا اجزایی دور او جمع شوند.

حزب به رئیسی رای داد اما میرسلیم تا آخر در انتخابات ماند. مصطفی هاشمی‌طبا نیز به عنوان عضو حزب کارگزاران سازندگی اما به صورت مستقل وارد انتخابات شد و در نهایت آخر شد. حسن روحانی با ۳۳ میلیون رای در آن انتخابات پیروز شد و دولت او باید اولین انتخابات سال ۱۴۰۰ را برگزار کند. کمتر از دو ماه دیگر سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در حالی برگزار می‌شود که شرایط سیاسی کشور در چهار دهه اخیر این‌گونه نشان می‌دهد که گویی این افراد هستند که خود را برای رسیدن به صندلی ریاست‌جمهوری شایسته می‌دانند و نه احزاب. از همین رو باید منتظر ببانیم در این دوره کدام شخص وارد انتخابات می‌شود تا حزب یا اجزایی دور او جمع شوند.

نیوشاندن روحانی به دغدغه‌های اصلاح‌طلبی و ازقضا نزدیکی او در حوزه سیاست داخلی به اصولگرایان باعث شد انتقادهای زیادی از سوی اصلاح‌طلبان و مخاطبان جبهه اصلاحات به دولت وارد شود که گرچه این نقدها مشخصاً به طریف نبود، اما دیگر او سردار دیپلماسی نبود و مردم بیش از آنکه به طریف توجه کنند، درگیر مشکلات معیشتی خود بودند. دو حادّه دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ شاهدمثال‌هایی از نارضایتی گسترده اقتصادی مردم بود که البته دولت برای پاسخ‌دهی مناسب به آن اعتراضات هم کاری نکرد. با این وصف طریف دیگر مانند دوره اول روحانی جایگاه ویژه‌ای دست‌کم در میان مردم نداشت. همین وضعیت ادامه یافت تا اکنون که بخشی از اصلاح‌طلبان از او به‌عنوان یکی از نامزدهای اصلی خود یاد می‌کنند و این حمایت در حالی است که اولا طریف تا این لحظه هیچ ایده‌ای برای مدیریت کشور نداشته و حتی خود بارها گفته است که به غیر از کار دیپلماسی در هیچ موضوعی تخصص ندارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد اعتماد مردم به فردی که برنامه خاصی به‌جز دیپلماسی ندارد، سخت باشد. از سوی دیگر با سخنان اخیر مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه در حوزه سیاست خارجی، وزارت امور خارجه تصمیم‌گیر نیست، گفتمان دیپلماتیک طریف دیگر کارایی لازم را در انتخابات ندارد و افزون بر همه اینها انتشار فایل صوتی محرمانه از طریف باعث شد که او در معرض نقد مقام معظم رهبری قرار بگیرد و به نظر می‌رسد در این شرایط او نتواند نماینده جامع‌الشرایطی برای اصلاح‌طلبان باشد؛ در اینکه حتی برخی اصلاح‌طلبان با تکیه بر این موضوع که طریف از نظر تشکیلاتی اصلاح‌طلب نیست، حاضر به حمایت از او نبوده و نیستند.

ادامه در صفحه ۸

روزه

نامه اعتراضی دبیرکل «حزب اعتماد ملی» به رئیس مجلس شورای اسلامی

نسبت به پاکسازی سیاسی گسترده نامزدهای شوراهای شهر و روستا



● ریاست محترم مجلس شورای اسلامی جناب آقای دکتر قالیباف با سلام و احترام ابتدا ایام شهادت امام عدالت و جهاد و نועدوستی حضرت علی علیه‌السلام را خدمت شما تسلیت عرض می‌کنم و تقدیر خیر و صلاح برای شما و مردم کشورم را در این شب‌های قدر آرزو می‌کنم.

حتماً در جریان نتیجه بررسی صلاحیت نامزدهای عضویت در شوراهای شهر و روستا قرار گرفته‌اید. عملکرد هیئت‌های اجرائی و هیئت‌های نظارت انتخابات شوراهای شهر و روستا در این دوره به شکلی است که هیچ اسمی بهتر از «پاکسازی سیاسی» بر آن نمی‌توان نهاد. مطابق اطلاعات دریافتی از سراسر کشور، تقریباً تمامی نامزدهای اصلاح‌طلب و اعضای شوراهای شهر تأییدصلاحیت‌شده در دوره قبل، در این دوره ردصلاحیت شده‌اند. دامنه این قلع و قمع سیاسی در نامزدهای عضویت و اصولگرایان منتقد را هم گرفته است و تنها افرادی تأییدصلاحیت شده‌اند که عمدتاً به یک طیف خاص «درون اصولگرایان گرایش دارند. این شیوه نظارت بر انتخابات شوروا، در هیچ دوره‌ای سابقه و نمونه ندارد و بدعتی تازه در تاریخ انتخابات شوروا و نقطه منفی بارزی در عملکرد مجلس کنونی است.

شوراهای غالباً کارکرد غیر حزبی و کمتر سیاسی داشته و مسئولیت سروسامان دادن به امور جاری شهرها و روستاها را بر دوش دارند. شوروا را باید مردمی‌ترین نهاد حاکمیتی دانست که از متن مردم می‌جوشت و اعضای آن را کسانی تشکیل می‌دهند که در آزادانه‌ترین شکل ممکن از سوی مردم انتخاب می‌شوند. انتخابات شوروا را نمی‌توان مانند دیگر نهادهای حاکمیتی برگزار کرد و به همین دلیل، نظارت بر این انتخابات به مجلس شورای اسلامی سپرده شده است چرا که نمایندگان، منتخبان مردمند و نظارت آنان بر انتخابات شوروا، داوام حضور همه سلاطین سیاسی، مدیریتی، قومی و زبانی را تضمین می‌کند. متأسفانه نوع نظارت اعمال شده در این دوره از انتخابات، خلاف فلسفه تشکیل شوروا بوده و به حذف بسیاری از نیروهای توانمند و کارآ منجر شده است چرا که با هدف پاکسازی سیاسی اعمال شده است.

جناب آقای قالیباف صراحتاً عرض می‌کنم که این شیوه عملکرد غیرقابل دفاع در دوره مدیریت جنابعالی در مجلس شورای اسلامی، بیش از همگان به حساب شخص شما گذاشته خواهد شد و طبعاً باید پاسخگوی اقدامات حذفی فراگیر هیئت‌های اجرائی و هیئت‌های نظارت در انتخابات شوراهای شهر و روستای این دوره باشید. یادآوری می‌کنم که این شیوه عملکرد، امکان برگزاری یک انتخابات رقابتی را از میان بر می‌دارد و میل مشارکت احزاب و جریان‌های سیاسی و عموم مردم در انتخابات را به‌شدت کاهش می‌دهد. شاید برای نمایندگان این دوره مجلس که خود در یک انتخابات غیر رقابتی و با حداقل میزان مشارکت مردم وارد مجلس شده‌اند، نه رقابت در انتخابات شورواها مهم باشد و نه میزان مشارکت مردم اما واقعیت این است که بدون حضور مردم و رای بالای شرکت‌کنندگان در انتخابات، هیچ نهاد مردمی شکل منطقی خود را پیدا نمی‌کند و طبعاً قادر به انجام خدمات بزرگ نخواهد بود.

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی به عنوان دبیرکل یک حزب سیاسی اصلاح‌طلب، اعتراض خود و همفکرانم را نسبت به عملکرد حذفی هیئت‌های نظارت بر انتخابات شورواها اعلام کرده و از شما درخواست می‌کنم که به مسئولیت‌های قانونی خود به شکل درست عمل کرده و پیش از آن که دیر شود، نسبت به تغییر رویه و تغییر نتایج بررسی صلاحیت‌ها اقدام کنید تا از همه جریان‌های سیاسی و گرایش‌های مدیریتی در صحنه رقابت انتخاباتی حاضر شوند و انگیزه شرکت در انتخابات شورواها را در میان مردم ایجاد کنند. گزینش نیروهای توانمند برای شورواها تنها در چنین وضعیتی میسر است و الا باید انتظار داشته باشیم که با فقدان نیروهای کارآمد و متخصص، شوراهایی شکل گیرد که نه از توانایی لازم برای انجام مسئولیت خود برخوردار باشند و نه از حمایت رای مردم بهره ببرند و این نتیجه‌ای است که جنابعالی به عنوان رئیس مجلس شورای اسلامی باید پاسخگوی آن باشید.
الیاس حضرتی دبیرکل حزب اعتماد ملی ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۰